

اخبار و گزارش های کارگری یکم اردیبهشت ماه 1404

- دوشنبه اعتراضی کارگران بازنشسته مخابرات کشور نسبت به کاهش قدرت خرید، عدم پرداخت مطالبات و قطع خدمات بیمه تکمیلی درمان بابرپایی تجمع، راهپیمایی، سردادن شعارها و برافراشتن پلاکاردها مقابل یا درساختمان مرکزی شرکت مخابرات استان های

آذربایجان شرقی(شهرتبریز)

اصفهان(شهر اصفهان)

ایلام(شهر ایلام)

زنجان(شهر زنجان)

کردستان (شهرهای بیجار، سنندج و مریوان)

کرمانشاه(شهر کرمانشاه)

گیلان(شهر رشت)

و تهران(شهر تهران مقابل ساختمان مرکزی شرکت مخابرات خیابان سردار جنگل)

- چهارمین روز اعتصاب و تجمع کارگران ارکان ثالث پالایشگاه دوازدهم پارس جنوبی در اعتراض به نحوه محاسبه حق اضافه کاری و عدم پرداخت بموقع و عملکرد حراست

- ادامه کنش های کارگران مجتمع فولاد البرز غرب ابهر برای پرداخت بموقع حقوق با برپایی تجمع اعتراضی

- اعتراض پرسنل صنعت نفت نسبت به استفاده از هواپیماهای قدیمی و فرسوده در پروازهای شرکت کارون

- ادامه اعتراضات مال باختگان حواله خودرو جمع نسبت به بلاتکلیفی 4 ساله با تجمع مقابل اداره کل دادگستری استان بوشهر

- بیانیه انجمن فرهنگیان هرسین در محکومیت باز تولید خشونت سیستماتیک توسط وزیر آموزش و پرورش .

- سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران(تهران) : تفاهم نامه؟!!!

- گزارش مراسم گرامی داشت پنجاه و هفتمین سالگرد تاسیس کانون نویسندگان ایران

- بیانیه گرامی باد پنجاه و هفت سالگی تأسیس کانون نویسندگان ایران!

- صدور حکم زندان برای فعال صنفی معلمان منصوره عرفانیان در دادگاه بدوی

- محکومیت فعال صنفی معلمان حسین رمضان پور به دو سال حبس

- داود رضوی بعد از پنج روز مرخصی در ساعت هفت و نیم شب دوشنبه یکم اردیبهشت ۱۴۰۴ به زندان اوین بازگشت

- جان باختن یک کارگر کارگاه شارژ کپسول اصفهان بر اثر انفجار کپسول اکسیژن

*دوشنبه اعتراضی کارگران بازنشسته مخابرات کشور نسبت به کاهش قدرت خرید، عدم پرداخت مطالبات و قطع خدمات بیمه تکمیلی درمان بابرپایی تجمع، راهپیمایی، سردادن شعارها و برافراشتن پلاکاردها مقابل یا در ساختمان مرکزی شرکت مخابرات استان های

آذربایجان شرقی(شهر تبریز)

اصفهان(شهر اصفهان)

ایلام(شهر ایلام)

زنجان(شهر زنجان)

کردستان (شهرهای بیجار، سنندج و مریوان)

کرمانشاه(شهر کرمانشاه)

گیلان(شهر رشت)

وتهران(شهر تهران مقابل ساختمان مرکزی شرکت مخابرات خیابان سردار جنگل)

شعارها:

«بازنشسته دادبزن حق تو فریاد بزن»

بازنشسته بیدار است از حق کشی بیزار است»

«این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملت»

«عدالتی ندیدیم فقط دروغ شنیدیم»

«تأحق خود نگیریم از پا نمی نشنیم»

«مجلس دروغگو حاصل وعده ات کو»

«ستاد اجرایی حق ما هارو خورده»

«ستاد فرمان امام مخابرات و برده حق ما هارو خورده»

«اجرای آئین نامه حق مسلم ماست»

«خوار و بار معیشت پرداخت باید گردد»

«دیگه نگید نداریم خسته از این شعاریم»

تصاویر:

ایلام:



تبریز:



زنجان:



مريوان:



***چهارمین روز اعتصاب و تجمع کارگران ارکان ثالث پالایشگاه دوازدهم پارس جنوبی در اعتراض به نحوه محاسبه حق اضافه کاری و عدم پرداخت بموقع و عملکرد حراست**

روزدوشنبه یکم اردیبهشت برای چهارمین روز متوالی، کارگران ارکان ثالث پالایشگاه دوازدهم پارس جنوبی به اعتصاب و تجمعشان در اعتراض به نحوه محاسبه حق اضافه کاری و عدم پرداخت بموقع و عملکرد حراست، ادامه دادند.



چهارمین روز متوالی اعتراضات کارگران ارکان ثالث پالایشگاه دوازدهم پارس جنوبی

امروز دوشنبه یکم اردیبهشت ۱۴۰۴

در ادامه اعتراض به عدم پرداخت حق مرخصی پراخت نشده توسط شرکت پیمانکاری پرادکو و زدو بند و حمایت مدیران پالایشگاه از آن، با وجود گذشت یک ماه از اتمام کار و پیمان شرکت، همکارانمان با وجود تهدیدات حراست و مدیریت شرکت، برای چهارمین روز متوالی دست از کار کشیدند.

به گفته همکاران مدیران شرکت بجای پاسخگویی نسبت به خواسته کارگران تهدید کردند که در صورت تداوم اعتراضاتشان، باقی مطالبات را نیز پرداخت نخواهند کرد!...

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت(ارکان ثالث)ضمن اعلام حمایت از ایستادگی آگاهانه این همکاران در برابر زور و تهدید کارفرمای فاسد پالایشگاه دوازدهم، اینگونه گروکشی

مزدی را در ازای به سکوت کشاندن کارگران، بخشی از فساد موجود در نفت میداند که تحت حمایت حکومت حامی سرمایه داران و چپاولگران امکان پذیر است.

ما اینگونه زورگویی و گروکشی مزد را نشانه ساختار تماماً فاسد و سرمایه ای میدانیم که طی ۴۶ سال گذشته بر پایه سود پیمانکاران مفتخور و باندهای مافیایی در قدرت در جریان است و عوامل دارای قدرت همواره میکوشند با تحمیل اینگونه شرایط، همچنان با ارزان و خاموش نگه داشتن ما کارگران و تقدیم نیروی کار و خلاقیتمان به پیمانکاران مفتخور، شرایط سود بیشتر و چپاول خود و بردگی مزدی واضح و آشکار را بر ما تحمیل نمایند.

ما کارگران ارکان ثالث مدتهاست عوامل دست اندرکار این سیستم فاسد و مافیایی را میشناسیم و قطعاً در مبارزه با این فساد و زورگویی از بالا، با تداوم و گسترش اعتراضات خود با آن مبارزه خواهیم کرد و بساط قدرت‌نمایی از بالا و چپاول و استثمار را جمع خواهیم نمود.

ما کارگران همه بخش‌های نفت را در حمایت از ایستادگی همکاران در پالایشگاه دوازدهم پارس جنوبی به گسترش اعتراضات در نفت فرامیخوانیم.

در همین رابطه: اعتصاب کارگران ارکان ثالث پالایشگاه دوازدهم پارس جنوبی در اعتراض به نحوه محاسبه حق اضافه کاری و عدم پرداخت بموقع و عملکرد حراست برای سومین روز متوالی

روزیکشنبه 31 فروردین برای سومین روز متوالی، کارگران ارکان ثالث پالایشگاه دوازدهم پارس جنوبی به اعتصاب و تجمعشان در اعتراض به نحوه محاسبه حق اضافه کاری و عدم پرداخت بموقع و عملکرد حراست، ادامه دادند.

تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفتند: قرار بود این مطالبات که مبلغ آن به حدود 25 تا 30 میلیون تومان می‌رسد، بعد از تعطیلات نوروز پرداخت شود اما با گذشت دوهفته این مطالبات هنوز پرداخت نشده است .

آنها افزودند: سرپرستان معمولاً با دادن مرخصی به کارگران مخالفت می‌کردند و چون ما از این مرخصی استفاده نکردیم باید مبلغ آن را دریافت کنیم .

آنها در خاتمه گفتند: تاکنون هیچ مسئولی به این اعتراض‌ها واکنش نشان نداده و این رفتار نه تنها بی‌توجهی به حقوق، بلکه بی‌احترامی به کارگران است.

***ادامه کنش های کارگران مجتمع فولاد البرز غرب ابهر برای پرداخت بموقع حقوق با برپایی تجمع اعتراضی**

روزدوشنبه یکم اردیبهشت، کارگران فولاد البرز غرب ابهر از ادامه کنش هایشان برای پرداخت بموقع حقوق با برپایی تجمع اعتراضی در این مجتمع واقع در استان زنجان خبردادند.

کارگران معترض به خبرنگار رسانه ای گفتند: از اسفند ماه مطالبات مزدی حدود 500 کارگر شاغل در این کارخانه پرداخت نشده و روز به روز بر میزان بدهی‌های کارگران فولاد البرز غرب افزوده می‌شود. در عین حال راحل مناسبی از سوی مدیران کارخانه و مسئولان شهرستانی ارائه نمی‌شود.

کارگران در ادامه تصریح کردند: طی ماه‌های گذشته برای پیگیری مطالبات خود به چند نهاد دولتی مراجعه کردیم اما هنوز اتفاقی نیفتاده است.

آنها افزودند: جدا از معوقات مزدی، در خصوص کیفیت بد غذای کارخانه نیز معترض هستیم.

این کارگران در خاتمه گفتند: تصور ما این بود که مسئولان پیگیر وضعیت مطالباتمان خواهند بود. انتظارمان این است که مسئولان استانی به این مساله ورود کنند.

***اعتراض پرسنل صنعت نفت نسبت به استفاده از هواپیماهای قدیمی و فرسوده در پروازهای شرکت کارون**

جمعی از پرسنل زحمت‌کش و متخصص صنعت نفت نسبت به استفاده مکرر از هواپیماهای قدیمی، به‌ویژه هواپیمای فوکر ۵۰ و فوکر ۱۰۰ در پروازهای شرکت هواپیمایی کارون، اعتراض خود را اعلام کرده‌اند. این اعتراض در پی نگرانی‌های فزاینده نسبت به ایمنی این پروازها صورت گرفته است.

پرسنل نفت، که عمدتاً در شرایط سخت، دور از خانواده و در مناطق عملیاتی مشغول به کار هستند، معتقدند که استفاده از هواپیماهایی که سال‌ها از عمر مفیدشان گذشته و بارها با نقص فنی مواجه شده‌اند، امنیت جانی آن‌ها را تهدید می‌کند.

برخی از دلایل اصلی این اعتراض عبارتند از:

1. — فرسودگی هواپیماهای فوکر: این هواپیماها حدود ۳۰ سال از عمرشان می‌گذرد و به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین ناوگان‌های هوایی کشور شناخته می‌شوند. تجربه نشان داده که بارها دچار نقص فنی، تأخیرهای طولانی و حتی فرودهای اضطراری شده‌اند.

2. — سابقه حوادث متعدد: در سال‌های گذشته، بارها شاهد نقص سیستم‌های حیاتی این هواپیماها بوده‌ایم. مواردی چون از کار افتادن سیستم هیدرولیک، باز نشدن چرخ‌ها (اهرم فرود)، دود در کابین، و البته لغو مکرر پروازها به دلیل مشکلات فنی، زنگ خطری جدی برای جان مسافران است.

3. — مقایسه با سایر خطوط هوایی داخلی: برخی شرکت‌های هواپیمایی داخلی با نوسازی ناوگان خود تلاش کرده‌اند ایمنی را افزایش دهند، اما شرکت کارون هنوز هم به ناوگانی متکی است که به گفته کارشناسان، نیاز فوری به بازنشستگی دارد.

پرسنل نفت خواستار آن هستند که:

— شرکت ملی نفت ایران و وزارت نفت برای حفظ جان کارکنان، اقدامات فوری برای جایگزینی ناوگان فرسوده صورت دهند.

— شرکت کارون می‌بایست نسبت به نوسازی ناوگان و افزایش استانداردهای ایمنی پاسخگو باشد.

— پرسنل نفت در انتخاب نوع پرواز و شرکت هواپیمایی حق انتخاب و اظهار نظر داشته باشند.

در پایان، ما تأکید می‌کنیم که امنیت جانی پرسنل نباید فدای صرفه‌جویی اقتصادی و بی‌توجهی مدیریتی شود. جان انسان‌ها از هر چیزی ارزشمندتر است و باید در اولویت تصمیم‌گیری‌های کلان قرار گیرد؛

برگرفته از شبکه‌های اجتماعی

***ادامه اعتراضات مال باختگان حواله خودروجم نسبت به بلاتکلیفی 4 ساله با تجمع مقابل اداره کل دادگستری استان بوشهر**

روزیکشنبه 31 فروردین، مال باختگان حواله خودرو شهرستان جم در ادامه اعتراضاتشان نسبت به بلاتکلیفی 4 ساله دست به تجمع مقابل اداره کل دادگستری استان بوشهر زدند و خواستار تسریع در روند رسیدگی و تعیین و تکلیف نهایی پرونده شدند.

***بیانیه انجمن فرهنگیان هرسین در محکومیت باز تولید خشونت سیستماتیک توسط وزیر آموزش و پرورش.**

جناب سرباز سردار رادان:

آموزش و پرورش "قلم" را با "باتوم" معاوضه نخواهد کرد؛ گرچه از مکتب خشونت بر صدر وزارت نشسته‌ای، اما یقین بدان، دانش آموزان به ماشه کشان ایدئولوژی رسمی قدرت و سرسپردگان نوچه‌های بی‌خرد خشونت‌گری عادی شده، تبدیل خواهند شد.

شکست اسلام سیاسی در کلیت جامعه و جهان، یک حقیقت انکار ناشدنی است، راه نجات آن سامان بخشی به خشونت در آموزش و پرورش نیست، اصولاً راه نجاتی ندارد.

سوژه‌های پسا ژینا راه خرد ورزی و عصیان در برابر برده‌سازی و نوچه‌پروری را از منابع عقلانی خارج از پادگان آموخته و درونی ساخته‌اند.

هرآنچه دود شد، سخت و استوار نخواهد شد؛ این بزرگترین درسی است که از دختران و پسران رهایی طلب نیاموختید؛ بدین سبب است که راه بازتولید ایدئولوژی منسوخ و شکست خورده خود را در نهادی می‌جوئید که یک دیگری برساننده‌ای شده که توان تعامل با آنان در هستی سیاسی و فرهنگی شما تن به نیستی داده است.

با علم و آگاهی از قدرت رادیکال و خرد محور دانش آموزان و معلمان اندیشگر، به شما هشدار می‌دهیم: "سکان" آموزش و پرورش را با "قنداق" تفنگ اشتباه نگیرید. آموزش، یک فرایند عقل محور است که انتقاد از هرآنچه مقدس شده و پرسشگری از هرآنکه قدرت مطلقه شده و عصیان علیه هرآنچه توسط قدرت حاکم بر ساخته شده، قلب آن است. شلیک بر این قلب از هیچ قدرتی بر نخواهد آمد.

این تفاهم نامه و هر چه در آن است از جانب جامعه آموزش و پرورش خرد گرا، در حکم استیضاح و عزل شما در حوزه واقعیت تلقی می‌شود، اگر چه، چند روزی برای تکمیل مدرک بندگی محض بر صدر وزارت بمانید.

سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران (تهران) : تفاهم‌نامه؟!

اگر خبر امضای تفاهم‌نامه میان وزیر آموزش و پرورش و فرمانده نیروی انتظامی باهدف رسمیت دادن به حضور نیروهای انتظامی و امنیتی در مدارس صحت داشته باشد، نهایت ورشکستگی و سقوط نظام آموزشی را به نمایش می‌گذارد.

محمدتقی فلاحتی با بیان این مطلب اضافه کرد، نهادی که بنا بر مسئولیت‌اش باید پیشرو در جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها به نسل جدید باشد با رسمیت دادن به حضور و دخالت نیروی انتظامی در مدرسه، اعتراف می‌کند که از اجرای وظیفه ذاتی خود ناتوان است؛ مدرسه محیطی است برای گفتگو و تفاهم، نه ستیز و تحکم.

آنچه تنزل این نهاد را بیشتر نشان می‌دهد سخنان فردی است که در راس دستگاه عریض‌وطویل آموزشی کشور قرار گرفته و خود را سرباز گوش‌به‌فرمان می‌نامد!

اگر جامعه آموزشی کشور و والدین و دانش‌آموزان خواهان برکناری این فرد به دلیل همین سخنان باشند، خواسته زیادی را مطرح نکرده‌اند.

گزارش مراسم گرامی‌داشت پنجاه و هفتمین سالگرد تاسیس کانون نویسندگان ایران



مراسم گرامی‌داشت پنجاه و هفتمین سالگرد تاسیس کانون نویسندگان ایران، هم‌زمان با جمع‌مشورتی کانون در تاریخ ۲۶ فروردین‌ماه در منزل یکی از اعضای برگزار شد.

در آغاز این مراسم، مجری جلسه محبوبه‌ی موسوی؛ نویسنده و از اعضای هیئت دبیران کانون، ضمن تبریک و شادباش پنجاه و هفتمین سالگرد تاسیس کانون نویسندگان ایران به حضار و قرائت بند اول منشور، ناصر زرافشان؛ نویسنده، مترجم و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران را برای ایراد سخنانش به جایگاه دعوت کرد. زرافشان پس از تبریک این روز و آرزوی تندرستی برای همه‌ی اعضا، ضمن برشمردن جریان‌های سیاسی موثر در تشکیل و تاسیس کانون، بر تقابل دیرپای دو طرز تلقی و نوع نگاه از آغاز تاسیس کانون تا روزگار معاصر تاکید کرد. یکی جریانی که کانون را تشکل صرفاً صنفی نویسندگان می‌داند و پا را از امورات روزمره‌ی نویسندگان فراتر نمی‌گذارد و دیگری؛ جریانی که فعالیت صنفی نویسنده را مجزا از فعالیت سیاسی و تعارض او با امر قدرت نمی‌داند و تعهد به انسان و سرنوشت او را مطمح نظر دارد. وی ادامه داد: از آنجا که نویسنده، انسان را محور اندیشه‌ی خود قرار می‌دهد و سودای آینده و فرجام بهینه‌ی او را در سر می‌پرورد، مآلاً نمی‌تواند بی‌تفاوت از مواضع سیاسی، سرنوشت جامعه‌ی انسانی و تقابل لاجرم با امر قدرت، صرفاً به خلق اثر بپردازد. وی افزود: آن هسته‌ی سخت و محور اندیشگی در آثار هر نویسنده، انسان و آینده‌ی اوست و این مهم با مراجعه به آثار برتر نویسندگان و شاعران در طول تاریخ، قابل مشاهده و اثبات است و دستگاه قدرت در تمام طول تاریخ تنها مرجعی بوده است که نسبت به آزادی اندیشه و بیان نویسنده حساسیت ویژه داشته‌است. وی برای شاهد مثال از احمد شاملو و سعید سلطانپور به‌عنوان شاعر و بالاخص از غلامحسین ساعدی و استعداد و شور و شعور بی‌مانندش در نویسندگی یاد کرد که به‌سبب اندیشه و تفکرشان با استبدادهای پیشین و پسین دست به گریبان بودند و در خصوص غلامحسین ساعدی ادامه داد که زندگی ساعدی را باید به قبل و بعد از زندان جهنمی پهلوی تقسیم‌بندی کرد و افزود که استبداد پیشین و دستگاه اهریمنی ساواک عملاً او را به ورطه‌ی انزوا و نابودی کشاند. وی در پایان با اشاره به مسئله‌ی نویسندگی و روشنفکری، بر این نکته تاکید کرد که نویسنده، اگر نویسنده‌است مآلاً روشنفکر است و خواسته یا ناخواسته تاریخ باری سنگین بر دوش او نهاده‌است و تقابل او با امر سیاسی، اجتناب‌ناپذیر و بدیهی‌ست و به‌این‌لحاظ کار او؛ کار سیاسی‌ست. بنابراین و به اعتبار این سخن، آنکه می‌انگارد وظیفه‌ی نویسنده صرفاً نشستن در محیطی بسته و پرداختن به امورات ادبی‌ست، اصولاً معنای نویسندگی را به‌درستی درک نکرده است چراکه شما به عنوان نویسنده، فکر می‌کنید و می‌اندیشید و می‌کوشید افکارتان را در قالب مختلف و ماده‌های متنوعی نظیر شعر و داستان و از این‌دست به مخاطبان‌تان ابلاغ کنید و همین امر شما را در برابر قدرت حاکم که وظیفه‌اش حفظ وضع موجود است، قرار خواهد داد لذا رواست که در محدوده‌ی همین کانون به امورات و وظایف خود به عنوان نویسنده آگاه و واقف باشیم و امیدوارم بتوانیم دغدغه‌ها و نظرات قائلان به این دو طرز تلقی و نگاه را به هم‌اندیشی و روشنگری بیشتر در این‌خصوص فرا بخوانیم.

پس از ایشان مجری برنامه علی‌اکبر جانوند؛ نویسنده، شاعر و از اعضای هیئت دبیران کانون را برای نوازندگی به جایگاه فراخواند و جانوند به اجرای قطعاتی به‌صورت بی‌کلام با ساز شورانگیز پرداخت. در ادامه مجری برنامه، منیژه نجم عراقی؛ نویسنده، مترجم و از اعضای پیشین هیئت دبیران کانون را جهت سخنرانی به جایگاه دعوت کرد. منیژه نجم عراقی پس از گرامی‌داشت و تهنیت

این روز به حاضرین، پیرامون دوام و قوام کانون طی سال‌های متمادی، سخنانی ایراد کرد. وی با اشاره به اینکه تاریخ آغاز کانون را باید از چند سال پیشتر از سال ۴۷ پی گرفت، ایده‌ی مبارزه با سانسور و خواست آزادی بیان و نیز اعمال سانسور فراگیر و همه‌جانبه‌ی حکومت پهلوی و دستگاه امنیتی‌اش را سبب‌ساز گردآمدن نویسندگان در تشکلی همسو برشمرد. وی افزود: این ایده در سال ۴۷ در متن "درباره‌ی یک ضرورت"، در سال ۵۸ در متن "موضع کانون" و در دهه‌ی هفتاد در منشور ۹بندی کانون نویسندگان ایران و به‌صورت چکیده؛ در بند نخست منشور، متبلور و متجلی شده است و در مجموع مواضع همسوی کانون نویسندگان ایران را طی ادوار مختلف در قبال آزادی اندیشه و بیان، بازمی‌نماید. وی ادامه داد که این ایده‌ای نامیراست که همواره در هرکجا نویسندگان مخالف حذف و حصر و سانسور می‌توانند حول آن متشکل شوند. وی ادامه داد: همین بند نخست منشور که چراغ راه و آرمان ماست، در کشوری استبدادزده چون ایران می‌تواند برای باورمندان‌ش تاوان‌های سنگینی در پی داشته باشد. وی یکی دیگر از دلایل پابرجایی کانون را تن ندادن به خواست حاکمیت‌ها در ثبت قانونی این نهاد دانست و در این رابطه به سخنانی از جلال آل‌احمد درخصوص ضرورت تشکیل و رسمیت کانون، مجزا از اراده‌ی نهاد قدرت، استناد کرد و ادامه داد که کانون به‌جز اتکا به نیروی اندیشه و عمل اعضایش، به هیچ قدرتی وابستگی ندارد و نخواهد داشت. نجم عراقی در پایان با اشاره به مصائب و آلامی که بر اعضای کانون در طی سالیان گذشته است؛ ضمن برشمردن مواردی نظیر مجرای اتوبوس نویسندگان، قتل‌های حکومتی-سیاسی دهه‌ی ۷۰، زندان‌ها و آزار و اذواء هموندان از گذشته تا حال و نیز عاقبت‌طلبی و گوشه‌نشینی عده‌ای قلیل و خصومت‌ها و عداوت‌های عده‌ای کثیر، بر این نکته انگشت تاکید نهاد که اعتقاد راسخ به آرمان آزادی اندیشه و بیان بی‌هیچ حصر و استثناء برای همگان و پایداری و ایستادگی بر آن، از سوی عده‌ای معدود از اعضا قدیمی و نیز جدید، راز استقامت و ماندگاری کانون نویسندگان ایران در ادوار مختلف تاریخ و اعتبار روزافزون جهانی آن در مجامع معتبر و مرتبط بین‌المللی بوده است.

در ادامه برنامه، محبوبه موسوی پس از قرائت بند سوم منشور کانون نویسندگان ایران، سیامک میرزاده؛ شاعر و از اعضای هیئت دبیران کانون را جهت اجرای موسیقی به جایگاه فراخواند و در انتها این مراسم با بریدن کیکِ مُزین و منقش به آرم کانون و شادباش ۵۷سالگی آن، توسط ناصر زرافشان و پذیرایی از اعضا، در فضایی گرم و صمیمانه پایان یافت.

***پایانیه گرامی باد پنجاه و هفت سالگی تأسیس کانون نویسندگان ایران!**

پنجاه و هفت سال از تأسیس کانون نویسندگان ایران گذشت اما «ضرورت»ی که به تأسیس کانون انجامید هنوز پابرجاست. همچنان که اراده‌ی جمعی که پس از قتل‌های سیاسی حکومتی، نویسندگان آزادی‌خواه را برای احیای فعالیت کانون نویسندگان ایران گرد هم آورد، هنوز به قوت خود باقیست و چون مانعی سخت در برابر حاکمیت و شیوه‌های پیچیده‌ی سرکوب و سانسور ایستاده است.

مدتی مدید صدای کانون نویسندگان ایران یگانه صدای جمعی بود که به بهای جان و زندان و بازداشت و تهدید اعضایش از ضرورت دفاع از آزادی بیان و مبارزه با سانسور سخن می‌گفت. امروز اما مقاومت‌ها و تجربه‌ی شکست‌ها و پیروزی‌ها، آزادی‌خواهان را گرد هم آورده است. دیگر نمی‌توان از آزادی سخن گفت اما برای تحقق آزادی بیان گام برنداشت. خواست آزادی بیان در بستر عینی زندگی به خواستی عمومی بدل شده است. آنچه کانون نویسندگان ایران در این پنجاه و هفت سال

در موضع‌گیرها و مکتوبات خود ثبت کرده است سند انکارناپذیر این واقعیت است که سرکوب آزادی بیان و گسترش سانسور تنها دامن نویسندگان و هنرمندان و روزنامه‌نگاران را نمی‌گیرد؛ بسیار بوده‌اند معترضان، دادخواهان، کارگران، معلمان، دانشجویان و زنانی که پاسخ کلامشان را با بازداشت و زندان گرفته‌اند. در تمام این سال‌ها بند اول منشور کانون نویسندگان ایران، «آزادی بیان بی هیچ حصر و استثنا برای همگان»، چراغ راه کانون و کانونیان بوده است تا هر کجا حاکمیت صدای معترضان را خفه کرد، جنبش‌های آزادی‌خواهانه را به خون کشید و عرصه را بر بی‌صدایان تنگ کرد، به حمایت از سرکوب‌شدگان برخیزد. هم از این روست که مبارزه در میدان پرحادثه و خونین ایران، هرگز کانون نویسندگان ایران را از آن عرصه‌ی بزرگتر مبارزه غافل نکرده است. نمی‌توان از آزادی بیان سخن گفت و در برابر سرکوب آزادی بیان در جهان سکوت کرد یا شیوه‌های نوظهور سانسور را نادیده گرفت.

در این پنجاه و هفت سال چهره‌ی ساختگی قدرت‌ها بیش از پیش فرو ریخته و چهره‌ی عریان ستم و استثمار آشکارتر شده است. فضای مجازی که زمانی گمان می‌رفت راهی مطمئن برای گسترش آزادی بیان خواهد گشود، از مداخله‌ی حکومت‌ها و قدرت‌ها در امان نمانده و به همان سرنوشتی دچار شده است که پیشتر رسانه‌های مستقل در سایه‌ی سیاه رسانه‌های جریان اصلی به آن دچار شدند. آنچه روزی تجربه‌ای تلخ از زیستن در سایه‌ی استبداد تلقی می‌شد، اکنون در هر کجای جهان اثری از آثار شوم خود را آشکار کرده است. آن سوی «دیوار حائل» اسرائیل کشتار پزشکان را به فهرست جنایتکارانه‌ی محاصره و نسل‌کشی و کودک‌کشی افزوده و در افغانستان طالبان بی هیچ مانعی قوانین متحجرش را جاری کرده است. در ینگه‌ی دنیا فهرست‌های رسمی سانسور انواع برابری‌طلبی‌های نژادی و جنسیتی را هدف گرفته، در اروپا جریان‌های راست افراطی اندک دستاوردهای موجود را به مخاطره افکنده‌اند و چهره‌ی حقیقی دموکراسی‌های جعلی از پرده بیرون افتاده است. در این زمانه‌ی آشوبناک که جریان‌های کوچک و بزرگ مقاومت و ستم‌ستیزی در جای جای جهان سر بلند کرده‌اند و شبکه‌ای رو به گسترش از فاشیسم و شبه‌فاشیسم برای سرکوب یا تصاحب دستاوردهای آن خیز برداشته است، جهان بیش از هر زمانه‌ی دیگر به دفاع بی‌قید و شرط از آزادی بیان و مبارزه‌ی همه‌جانبه با سانسور نیازمند است. شواهد بسیار گواهی می‌دهند که اگر در جایی از جهان آزادی بیان نقض می‌شود، آزادی بیان در همه جای جهان در معرض خطر قرار می‌گیرد.

اکنون که پنجاه و هفت سالگی تأسیس کانون نویسندگان ایران را گرامی می‌داریم، تلاش‌های همه‌ی آزادیخواهان را ارج می‌نهمیم و یک بار دیگر اعلام می‌کنیم که مبارزه‌ی جمعی و حساسیت به ستم و سرکوب در سراسر جهان یگانه راهیست که می‌تواند به برچیده شدن سانسور و تحقق آزادی بیان بیانجامد.

کانون نویسندگان ایران

یکم اردیبهشت ۱۴۰۴

***صدر حکم زندان برای فعال صنفی معلمان منصوره عرفانیان در دادگاه بدوی**

امروز دوشنبه ۱ اردیبهشت شعبه ۴ دادگاه انقلاب مشهد رای پرونده‌ای که پس از بازداشت بانو منصوره عرفانیان در ۱۵ مهر ۱۴۰۲ برای ایشان تشکیل شده بود را به شکل حضوری ابلاغ کرد.

در رای صادره اتهام تبانی علیه امنیت کشور با توجه به اینکه درخواست صنفی جمعی معلمان از رئیس قوه قضائیه جهت آزادی معلمان زندانی مصداق عنوان مجرمانه تشخیص داده نشد خانم عرفانیان تبرئه ولی در اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام در فضای مجازی به ۳ ماه حبس تعزیری محکوم شد.

از زمان صدور، این رای به مدت ۲۰ روز قابل اعتراض جهت بررسی در دادگاه تجدید نظر خواهد بود.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت کامل از خانم منصوره عرفانیان و دیگر فعالان صنفی بار دیگر اعلام می‌کند که زندان و سرکوب هرگز مانع مطالبه‌گری فرهنگیان نخواهد شد.

***محکومیت فعال صنفی معلمان حسین رمضان‌پور به دو سال حبس**

حسین رمضان‌پور، معلم و فعال صنفی مدنی شهرستان بجنورد طی حکمی از سوی شعبه ۱۰۵ دادگاه انقلاب استان خراسان شمالی، به ریاست علیرضا کرامتی به دوسال زندان محکوم شد.

حسین که در سال ۱۴۰۱ به اتهام عضویت در گروه‌های معاند (انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی) جهت تحمل دو سال زندان مربوط به پرونده هفت معلم خراسان‌شمالی در اواخر اسفندماه و شب عید جلب و روانه زندان شد، پس از گذراندن حدود ۲۰ ماه از دوران زندان خود در مهرماه ۱۴۰۳ با تعلیق حدود چهار ماه از ادامه‌ی محکومیتش به مدت پنج سال آزاد شد. اما حدود چند ماه پیش از آزادی در حین تحمل حبس در بندباز زندان مرکزی بجنورد پرونده جدیدی با اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی برای وی در شعبه دوم بازپرسی دادرسی عمومی بجنورد تشکیل و در نهایت منجر به صدور کیفرخواست و ارجاع پرونده به شعبه ۱۰۵ دادگاه کیفری بجنورد گردید.

مستندات پرونده مربوط به حوادث سال ۱۴۰۱ بود که یکبار دیگر در همان سال ۱۴۰۱ در شعبه سوم بازپرسی پرونده‌سازی شده بود که به دلیل عفو عمومی رهبری و بسته شدن پرونده‌های مربوط اعتراضات ۱۴۰۱ در همان مرحله رسیدگی بازپرسی مختومه گردید.

اما با تأسف همان پرونده بار دیگر در سال ۱۴۰۳ در شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی و انقلاب بجنورد مطرح و بدون ارایه هیچ گونه شواهد جدید و با تکیه بر گزارش نهادهای امنیتی مبنی بر فعالیت مجازی و نشر اکاذیب در سال ۱۴۰۳ منجر به صدور حکم دو سال زندان گردید که در صورت اجرای حکم چهار ماه باقیمانده‌ی حکم پیشین حسین رمضان‌پور به این پرونده اضافه می‌گردد که شرایط اخذ مرخصی و پابند و بند باز را بسیار دشوارتر می‌سازد.

این چندمین بار است که حسین رمضان‌پور به اتهام نشر اکاذیب که مطالب ایشان نقدهای دلسوزانه در زمینه آموزش و پرورش و سیاسی و اجتماعی بوده دچار پرونده‌سازی و محکومیت می‌گردد که از بین آنها محکومیت ۷۴ ضربه شلاق در سال ۹۸ و شش ماه حبس در بهمن ماه ۱۴۰۰ به صورت قطعی صادر و اجرایی گردید.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

***داود رضوی بعد از پنج روز مرخصی در ساعت هفت و نیم شب دوشنبه یکم اردیبهشت ۱۴۰۴ به زندان اوین بازگشت**

سندیکای کارگران شرکت واحد بشدت به تداوم حبس داود رضوی، عضو هیئت مدیره سندیکا، معترض است. سندیکا خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط داود رضوی، ابراهیم مددی، و دیگر کارگران، معلمان، زنان و فعالان مدنی زندانی هستیم.

کارگر زندانی آزاد باید گردد.

به امید برقراری عدالت در ایران و سراسر جهان.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

اول اردیبهشت ۱۴۰۴

***جان باختن یک کارگر کارگاه شارژ کپسول اصفهان بر اثر انفجار کپسول اکسیژن**

ر.ز دوشنبه یکم اردیبهشت، یک کارگر 28 ساله حین شارژ کپسول اکسیژن در یک کارگاه شارژ کپسول اکسیژن واقع در عاشق آباد اصفهان بر اثر انفجار جان خود را از دست داد.

akhbarkargari2468@gmail.com